

مروری بر دعای امام صادق علیه السلام در هنگام تلاوت قرآن

سید محمد رضوی*

چکیده: دعا اظهار خشوع و فروتنی، تضرع و توسل و تمنی به درگاه الهی است و در برخی روایات، از آن به سلاح انبیاء تعبیر شده است. به هنگام قرائت قرآن، دعایی از امام صادق علیه السلام روایت شده که بر اساس متن این دعا: برخی ویژگیها و اوصاف قرآن (مثل: نور و هدایت) و برخی امتیازات، مسئولیتها و اوصاف حاملان قرآن، اهمیت قرائت قرآن و تأکید بر تهجد و شب زنده‌داری، قلب و جایگاه آن در فهم قرآن، شفیع بودن قرآن در روز قیامت، حمایت قرآن از حاملان قرآن در روز جزا با استناد به آیات و روایات بررسی شده است.

کلیدواژه: قرائت قرآن / دعا / قرآن - ویژگیها / حاملان قرآن / قلب / شفاعت قرآن / تهجد.

نگرشی به مفهوم دعا و نیایش

دعا در واقع، اظهار خشوع و فروتنی و درماندگی، و تضرع و توسل و تمنی به پیشگاه حضرت احدیت است. دعا مائده‌ای است رحمانی که انبیاء و صالحین،

* دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی.

پیرامون آن و پیشاپیش همه خلایق، گرد آن جمع گشته‌اند تا به خدای لایزال تقرب جویند و خود را هر چه بیشتر و شایسته‌تر، به او نزدیک سازند. و این وعده حق تعالی است که این چنین به بندگان خود نوید می‌دهد:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ. (بقره / ۲) / ۱۸۶)

و چون بندگانم درباره من از تو پرسند، به راستی من نزدیکم. خواندن خواننده را آن‌گاه که مرا بخواند، پاسخ می‌دهم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند. باشد که ره یابند.^۱ (بقره / ۲) / ۱۸۶)

دعا کنار زننده حجابها و نزدیک سازنده مسافتهای دور برای دیدار حق است. با چشم دل به ملکوت اعلی نگرستن و عرش الله و عظمت آن را مشاهده کردن است. وسیله‌ای است مطمئن برای تطهیر نفوس از هر آنچه غیر خداست و پیوند و اتصال ارواح مؤمنین با ملکی مقتدری است که در مقعد صدق و بهشت برین، متقین و مؤمنین را مأوی و منزل خواهد داد. «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ * فِي مَقْعِدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ.» (نمر / ۵۴) و ۵۴ و ۵۵)

در توصیف و عظمت دعا همین بس که خداوند فرموده است: «قُلْ مَا يَعْبُؤُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ.» (فرقان / ۲۵) / ۷۷: بگو اگر خواندن و دعای شما نباشد، پروردگار من به شما اعتنا و عنایتی نکند.

در روایات معصومین علیهم السلام از دعا به «سلاح انبیاء» تعبیر شده است. (۳۰: ج ۴، ص ۱۹۳) از این رو، در تفاسیر روایی، در شرح و توضیح واژه «اَوَاه» در آیه شریفه «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لِأَوَّاهٍ حَلِيمٍ.» (توبه / ۹) / ۱۱۴ مقصود از آن را دعا و نیایش بیان کرده‌اند. (همان: ج ۴، ص ۲۲۶) در کلام حضرت امیر علیه السلام دعا و نیایش با پروردگار در شما یکی از چهار عبادتی قرار گرفته است که هر کس به آن توفیق یابد، از استجاب آن نومید نگردد.

۱. در ترجمه آیات قرآن به فارسی، از ترجمه مرحوم دکتر سیدجلال‌الدین مجتویی، استفاده شده است.

حضرت باقر علیه السلام در پاسخ به سؤالی که زرارة از ایشان درباره آیه شریفه ﴿وَقَالَ رَبِّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ ذَاخِرِينَ﴾ (غافر (۴۰) / ۶۰) پرسید، منظور از عبادت را دعا عنوان نموده‌اند (۳۳: ج ۷۳، ص ۱۸۹)؛ یعنی جز افراد متکبر و سرکش، کس دیگری از آن روی بر نمی‌گرداند و ابا نمی‌ورزد. با عنایت به آنچه به طور اختصار بیان کردیم هم اینک اهمّیت و ارزش دعا به وضوح آشکار خواهد شد. توجّه داشته باشیم که در دعایی که هم اینک بدان خواهیم پرداخت، شخص دعا کننده، امام صادق علیه السلام است و مورد دعا، قرآن کریم و کلام خداوند است. این دعا را ثقة الاسلام کلینی در کتاب شریف کافی، کتاب القرآن، باب الدعاء عند قراءة القرآن، آورده است.

گزارشی از متن دعا

دعا با حمد و ثنای الهی آغاز می‌شود و در عین اظهار خضوع و فروتنی، به قدرت و تسلط بی حدّ و حصر پروردگار بر کائنات و عزّت و مقام کبریایی حقّ اشاره می‌کند. گوینده‌اش - که فقیه آل محمد علیهم السلام است - خود را بی مدعا همچون متعلّمی می‌داند که شایسته تعلیم الهی قرار گرفته است و البته احراز این شایستگی را جز با فضل و عنایت حضرت حقّ نمی‌داند. به واسطه رحمت خاصّه الهی، به متشابهاات قرآن ایمان آورده، به محکّمات آن عمل می‌کند؛ تاویل آیاتش را از حضرت ربّ العزّة می‌آموزد، به سوی او راه می‌یابد و این چنین بر بصیرت او افزوده می‌شود.

در سراسر دعا، از صفات و ویژگیهای ممتازی سخن می‌رود که حاملان واقعی قرآن، باید خود را به آن صفات بیارایند. توجّه به شفافبخش بودن آیات و رهنمایی آنها به سوی حقیقت، پیروی از احکام و حدود، توجّه به فرائض و واجبات، عجائب و حکمتها و پندشنوی و هشدار پذیری، از جمله نکات برجسته موجود در

این دعاست که دقت و التفات بدان، قاری و حامل قرآن را به خشوعی صادقانه در برابر ذات اقدس الهی می‌رساند تا عجزی عارفانه را در خویشتن بیابند.

نکته مهم آنکه قاری و حامل واقعی قرآن کریم باید از بازیچه قرار دادن این کتاب آسمانی و بهره‌گیری از آن به نفع منافع شخصی و دنیوی خویش بپرهیزد. اگر به این پیام بیدارکننده، گوش جان مسپارد، خواندن آیاتش نه تنها نورانیّتی برای او به همراه نخواهد داشت، بلکه دو چندان بر کوری و بی‌بهرگی او می‌افزاید و اندک اندک او را به وادی گمراهی - که پیش‌زمینه‌های آن را خود به دست خویش خواهم ساخته - می‌کشاند و وی را به آن سوی، ره نماید.

این دعا با درخواست و خواهش از پروردگار پایان می‌پذیرد که جایگاه راستین شهداء و همنشینی با انبیاء و صلحاء را در یوم الفصل، بهره و نصیب حاملان بحقّ و راست قامت قرآن نماید.

استخراج و شرح و توضیح تمام ویژگیهای قرآن - که در این حدیث شریف وارد شده - کاری است طاقت فرسا و از حوصله یک مقاله تحقیقی خارج است. از این رو، می‌کوشیم که ضمن اشاره به این ویژگیها، برجسته‌ترین آنها را برگزینیم و در مورد هر یک، توضیحی کوتاه ارائه دهیم.

با تأمل در این دعای شریف، آشکار خواهد شد که در این میان، ما با دو دسته صفات متضادّ و ناهمگون روبرویم که تقابل و رویارویی آنها با یکدیگر، کاملاً ملموس و واضح است. از طرفی قرآن کریم، به سان نوری است که رهروانش را از تاریکیها می‌رهاند و به ساحل نجات می‌کشاند؛ داریوی است که دردهایشان را درمان می‌بخشد و راهنمایی است که آنان را به سر منزل مقصود می‌رساند؛ اما از طرف دیگر، برای کسانی که آیاتش را به بازی گیرند و از پذیرش احکام و تکالیفش شانه خالی کنند و آن را در مسیر امیال و خواهشهای نفسانی خود به کار گیرند، کوری و شقاوت است و بدبختی؛ نه رحمتی در پی دارد و نه لطف و محبتی؛ سراسر

نفرین است و لعنت، غضب است و نقت!)

در این میان و در مواجهه با این دو دسته صفاتِ ناسازگار، حاملانِ واقعی قرآن را از آنکه آیات را پشت سر نهند و زیر بار تکالیفش نروند، به شدت بر حذر داشته‌اند. اینان در مقابل با درک نورانیت و هدایت بخش بودن این کتاب آسمانی، به خشوع و تواضعی صادقانه دست یافته‌اند.

شرح و توضیح بخشهای مختلف دعا

آنچه در پی می‌آید، ابتدا ارائه قسمتهایی از متن دعا، همراه با ترجمه آن است. آن‌گاه می‌کوشیم با تقسیم دعا به بخشهای مختلف، به ویژگیهای ممتاز قرآن کریم اشاره کنیم و آن را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۱. قرآن: نور و ظلمت، شقاوت و هدایت

اللَّهُمَّ وَكَمَا أَنْزَلْتَهُ شِفَاءً لِأَوْلِيَائِكَ وَ شَقَاءً عَلَيَّ أَعْدَائِكَ وَ عَمِّي عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ وَ نُوراً لِأَهْلِ طَاعَتِكَ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لَنَا حِصْناً مِنْ عَذَابِكَ وَ حِرْزاً مِنْ غَضَبِكَ وَ حَاجِزاً عَنَّا مَعْصِيَتِكَ وَ عِصْمَةً مِنْ سَخَطِكَ وَ دَلِيلاً عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَ نُوراً يَوْمَ نَلْقَاكَ نَسْتَضِيءُ بِهِ فِي خَلْقِكَ وَ نُحْوزُ بِهِ عَلَيَّ صِرَاطِكَ وَ نَهْتَدِي بِهِ إِلَى جَنَّتِكَ.

خداوند! همچنان که آن (قرآن) را شفا بخش دردهای اولیاء خود و سبب شقاوت و بدبختی دشمنان فرو فرستادی و آن را سبب نابینایی برای معصیتکاران و نور و روشنائی برای فرمانبرانت مقدر ساختی، بار خدایا آن را برای ما دژی استوار در برابر عذاب، پناهگاهی از خشم، مانعی از ارتکاب نافرمانی‌ات، نگاهبانی از غضبت، راهنمایی به سوی طاعت و فرمانبرداری‌ات قرار ده! نوری که بدان در ستاخیز به لقای تو بشتابیم، به وسیله آن میان آفریدگان توره جویم، از صراطت به سلامت بگذریم و به سوی بهشت تو هدایت یابیم.

در این عبارت نورانی، سخن از قرآن است که به تصریح روایات، فضل آن بر دیگر سخنها همچون برتری خداوند بر آفریدگان اوست. (۲۰: ۴۷) کتابی که افضل کل شیء دون الله است. (۱۵: ج ۱، ص ۱۱) به عبارت دیگر، سخنی یافت نمی‌شود که همپای آن باشد؛ از آن روی که قرآن کریم به عنوان معجزه ختمی مرتبت، ویژگیهایی در خود جای داده است که هر کس خود را بدان متخلّق سازد و از آن صفات، در راه کمال و سعادت خویش بهره جوید، یقیناً به صراط مستقیم الاهی هدایت خواهد شد. (۲۵: ج ۱، ص ۷) چرا که این کتاب یکی از دو جانشین بزرگ پیامبر، رشته محکم الاهی (۳۲: ج ۱، ص ۱۷۲) و ثقل اکبر هدایت (۳۳: ج ۷، ص ۲۹) است که از آسمان به سوی زمین امتداد یافته است. بدین روی، دستگیر کسانی خواهد بود که هدایتش را پذیرند و از اطاعتش شانه خالی نکنند.

از برجسته‌ترین صفاتی که در این جمله جلب نظر می‌کند، نورانیت و شفافیت بودن آیات و هدایتی است که از طریق فرمان‌پذیری بندگان، نصیب ایشان خواهد شد. در مقابل، نابینایی، بدبختی و گمراهی کسانی است که خود را از زمره نیکان خارج و در صف معاندان داخل کرده‌اند.

این سخن امام علیه السلام که در توصیف کلام الله بیان داشته‌اند، متأثر از آیه ۴۶ سوره فصلت است که خداوند چنین می‌فرماید:

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُضِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ.

و اگر ما آن را قرآنی به زبان عجمی - غیر عربی - می‌ساختیم، می‌گفتند: چرا آیات آن به روشنی بیان نشده است؟ آیا کتابی عجمی و پیامبری عربی؟ بگو: آن برای کسانی که ایمان آورند، راهنمونی و بهبودبخش است. و آنانی که ایمان نیاورند، در گوشه‌های سنگینی و گرانی است و آن بر آنها مایه کوری است. اینان گویی از جایی دور خوانده می‌شوند.

از این آیه شریفه فهمیده می‌شود که به واقع، راه ارتباط با آیات قرآن، صرف همزیان بودن با آن نیست. در این آیه، آشنا بودن به زبان عربی به عنوان عنصر اصلی فهم آیات، معرفی نشده است؛ بلکه این، ایمان واقعی به آیات و گوش جان سپردن به دستورهای آن است که این کتاب را به عنوان شفا بخش و هدایتگر در لحظه لحظه زندگی مؤمنان مطرح می‌کند. در مقابل، آنانی که گوشهای شنوایی برای شنیدن ندارند و در گوش خود برای درک آیاتش، سنگینی احساس می‌کنند، هر چند به زبان عربی، خواندن آیات، دیگر نه تنها برایشان سودمند نیست؛ بلکه برکور دلی آنها می‌افزاید.

بنابراین - چنان که مفسران از این آیه شریفه درک کرده‌اند (۲۱: ج ۱۷، ص ۴۰۰) اثر و خاصیت قرآن کریم، دایره مدار عربیت آن نیست؛ بلکه این مردم‌اند که در مقابل آن دو گروه خواهند شد: گروهی با ایمان و گروه دیگر بی‌ایمان. قرآن البته هدایت و شفاست برای گروه اول که بیماریهای درونی، همچون شک و ریب را شفا می‌دهد. در عین حال، برای گروه دوم، ضلالت و کوری است و سبب می‌شود که حق و راه رشد و صلاح را تشخیص ندهند.

در قسمت پایانی آیه، عبارت «أُولَئِكَ يَنَادُونَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ» نشان از آن دارد که با وجود نزدیکی رسول اکرم ﷺ به ایشان، گویی آنان فرسنگها با وی فاصله دارند و سخن حق آن رسول الهی، بر آهن سرد وجود ایشان اثری نمی‌بخشد. آنان به او نزدیک‌اند؛ اما گویی که از دور، صدایی می‌شنوند که برایشان آشکار نیست. (۶: ج ۷، ص ۳۳۸)

آری! به تصریح روایات، این کتاب برای آنانی که گوش شنوایی برای شنیدن و قلب بینایی برای تفکر و تفقه دارند، پندآموزی است که خیانت نمی‌کند و راهنمایی است که گمراه نمی‌کند و سخنگویی است که دروغ نمی‌گوید. (۱۳: ج ۲، ص ۵۶۹)

هرکس پیرامون این مائده آسمانی بنشیند و زانوی شاگردی، فروتنی و تواضع بر

زمین زند، از کنارش بر نخواهد خاست مگر با یک فزونی یا کاستی! فزونی در رستگاری یا کاستی از کور دلی! (۱۴: ص ۱۰۵)

از این رو، امامان معصوم علیهم‌السلام شیعیان نشان را از آنکه هدایت را از غیر این کتاب بجویند، به شدت بر حذر داشته و آن را سبب گمراهی ایشان دانسته‌اند. (۵: ج ۲، ص ۵۶) در مقابل، بیان داشته‌اند که هرکس این کتاب را رهنمای خویش برگزیند، به استوارترین راه که هیچ کژی در آن نیست، هدایت خواهد شد. (۲: خطبه ۱۴۷) از دیگر صفاتی که در این بخش از دعای امام علیه‌السلام بیان شده، ویژگی نورانیت قرآن است:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لَنَا... نُورًا يَوْمَ نَلْفَاكَ نَسْتِضِيءُ بِهِ فِي خَلْقِكَ وَ نَجُوزُ بِهِ عَلَى صِرَاطِكَ وَ نَهْتَدِي بِهِ إِلَى جَنَّتِكَ.

خداوند! آن (قرآن) را برای ما نوری ساز که در روزی که به لقای تو می‌رسیم، به وسیله آن میان خلق تو، روشنائی جوییم و از صراطت به سلامت، بگذریم و به سوی بهشت تو هدایت گردیم.

نورانیت این کتاب آسمانی، در آیاتی از قرآن بیان شده است. (نک: نساء، (۴) / ۱۷۴؛ مائده (۵) / ۱۵؛ اعراف (۷) / ۱۵۷؛ توبه (۹) / ۳۲؛ تغابن (۶۴) / ۸) از مجموع این آیات در کنار ایمان به خداوند و رسول، باید به این نور آسمانی که از عالم علیا نشأت گرفته و گنجینه‌ای است از خزائن علم الهی - ایمان آوردند. (۱۱: ص ۲۶۷) نتیجه چنین ایمانی، یعنی تجسم و تبلور ایمان به این نور الهی، آن خواهد بود که در روز رستاخیز، خود را چون نوری رخشان به مؤمنان می‌نمایاند و چراغ روشن در تاریکیها و وحشتهای هولناکی خواهد بود که در انتظارشان نشسته است. این نور به یاری و مساعدت مؤمنان می‌شتابد و پیش روی آنها را روشن می‌کند تا به سر منزل مقصود و بهشت جاوید، رهنمون شوند:

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ وَبِشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

(حدید (۵۷) / ۱۲)

روزی که مردان و زنان مؤمن را بینی که نورشان در پیش روی ایشان و از سمت راست ایشان، شتابان می‌رود. امروز شما را مؤذگان بهشتهایی است که از زیر آنها جویها روان است؛ در حالی که در آنجا جاویدان باشید. این است کامیابی و رستگاری بزرگ.

در تفاسیر مأثور، از این نور، به نور امام معصوم علیه السلام نیز تعبیر شده است که به واقع، عینیت کتاب و تجسم و تبلور آیات و در یک سخن: قرآن ناطق است. و به استناد آیه «یوم ندعو کلّ أناس بآمامهم» (اسراء (۱۷) (۷۱))، پیشاپیش مؤمنان روانه می‌شود و ایشان را به فردوس اعلیٰ ره می‌نماید. (۷: ج ۴، ص ۱۴۰؛ ج ۲، ص ۸۲۸؛ ج ۲، ص ۳۰۲)

در احادیث معتبر، سخن از تجسم قرآن کریم در قالب جوانی رعنا و خوش سیما است که در رستاخیز و محکمه عدل الاهی، خود را به خلاق نشان می‌دهد و از میان آنها، برگزیدگان را گلچین و به بهشت و فردوس حق ره می‌نماید. در بخش شفاعت قرآن به این حدیث اشاره می‌شود.

۲. حاملان قرآن، صفات و امتیازات

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّقْوَةِ فِي حَمَلِهِ وَالْعَمَىٰ عَنْ عَمَلِهِ وَالْجَوْرِ عَنْ حُكْمِهِ وَالْعُلُوِّ عَنْ قَصْدِهِ وَالتَّقْصِيرِ دُونَ حَقِّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَنَّا ثِقْلَهُ وَأَوْجِبْ لَنَا أَجْرَهُ وَأَوْزِعْنَا شُكْرَهُ وَاجْعَلْنَا تُرَاعِيَهُ وَحَقِّقْهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا تَتَبِعْ حَلَالَهُ وَتَجْتَنِبْ حَرَامَهُ وَتُقِمْ حُدُودَهُ وَتُؤَدِّي فَرَائِضَهُ.

خداوند! به تو پناه می‌بریم از آنکه در تحمل آن (قرآن) دچار شقاوت گردیم، در کار بست / دستوراتش / نابینا باشیم، از احکامش تجاوز و از توجه به مقاصدش گردن فرازی کنیم و در مقام اعتراف به حقیقت آن کوتاهی ورزیم. بار خدایا سنگینی آن را از دوش ما بر زمین نه و پاداشش را بر ما لازم دار و چگونگی شکر و سپاس از آن را به ما الهام کن. ما را به گونه‌ای پرورش ده تا آن را به خوبی، نگاه

داریم و حقوقش را پاس داریم، از حلالش تبعیت کنیم، از حرامش اجتناب ورزیم، حدودش را بر پا داریم و واجباتش را ادا کنیم.

در این بخش از دعا، بیش از هر چیز دیگر، مسئولیت حاملان قرآن در قبال این کتاب سترگ، مورد توجه است؛ مسئولیتی که با خواندن و تلاوت ظاهری آیات و حفظ و نگاهداشت حروف و کلماتش ادا نمی‌شود. بلکه وظیفه مهم، پیروی از حلالها و اجتناب از حرامهای این کتاب و اقامه حدود و انجام واجبات و فرائض آن است.

در روایات شریف، آنانی که محرمات قرآن کریم را بر خود حلال شمرده‌اند، صراحتاً از دایره ایمان خارج گشته‌اند. (۲۹: ص ۱۶۳) هر چند که شب و روز آیات قرآن را زمزمه و بارها آن را تلاوت کنند! اینان تنها حروف و کلمات قرآن را نگاه داشته‌اند؛ ولی احکام و فرائض آن را ضایع نموده‌اند. حضرت امام باقر علیه السلام از حضرت باری درخواست می‌کنند که تعداد این گونه افراد را افزون نفرماید. (۳۰: ج ۴، ص ۴۴۳) البته این خواسته امام به خوبی، حکایت از آن دارد که تعداد چنین قاریانی در جوامع مسلمان نشین اندک نیست. از این رو، امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف این صنف از مردمان چنین می‌گوید: هر که از این امت قرآن بخواند و با این حال داخل آتش شود، در زمره کسانی است که آیات آن را به سخریه گرفته است. (۲۵: ج ۱، ص ۱۲۰) نابینا محشور شدن این گروه از قاریان در روز قیامت نیز، از جمله رنجهایی است که ایشان را در رستاخیز آزار می‌دهد. (۴: ص ۳۳۷) این نابینایی از عملکرد سوء و برخورد نامناسب آنها با کلام خدا ناشی می‌شود. به عبارت دیگر، آنانی که در دنیا چشمان خویش را بر روی حقایق این کتاب شریف بستند و در مقابل احکام و دستورهایش تواضع و فروتنی از خود نشان ندادند، شایسته است که در قیامت، نابینا و اعمی محشور شوند.

بنابراین، قاریان قرآن کریم باید به این ندای آسمانی و کلام حق معصوم علیه السلام گوش

فرا دهند که فرمود: بر شما باد که قرآن را پاس دارید! پس هرگاه آیه‌ای یافتید که پیشینیان شما به واسطه عمل به آن رهایی یافته‌اند، شما نیز به آن آیه عمل کنید؛ در مقابل، اگر آیه‌ای یافتید که عمل به آن، سبب هلاکت پیشینیان شده است، شما نیز از آن اجتناب ورزید. (۱۰: ج ۱، ص ۸)

با چنین نگاهی به کلام وحی است که مسئولیت حاملان قرآن، بسیار سنگین‌تر از دیگر گروه‌های جامعه تبیین می‌شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ای گروه قرآن خوانان! از خدای - عزوجل - بپرهیزید در آنچه از کتاب خود به شما داده است؛ زیرا من و شما هر دو مسئولیم. من در تبلیغ امر رسالت مسئولیت دارم و شما نیز نسبت به آنچه از کتاب خدا و سنت من دریافته‌اید. (۳۰: ج ۴، ص ۴۱۶)

همان‌گونه که مسئولیت حاملان وحی مسئولیتی است سخت و دشوار، پاداش آنان نیز از پاداش‌های دیگر مردمان، بسیار بالاتر است. در روایات رسیده، همنشینی با ملائکه (۳: ص ۵۹)، برخورداری از رحمت خاصه و رضوان الاهی (۳۰: ج ۴، ص ۴۱۱) و رسیدن به مقام و منزلتی که جز پیامبران را شایسته نباشد، (همان: ص ۴۱۳) از جمله موهبت‌ها و کرامت‌های ویژه پروردگار در شأن ایشان است.

بر اساس حدیث نبوی، هر آن که قرآن را تماماً در سینه جمع کرده و حامل واقعی احکام و دستورها و معارفش باشد، گویی که نبوت در میان پهلوهای او گرد آمده است؛ با این تفاوت که به وی وحی نمی‌شود. (همان: ص ۴۱۵)

با توجه به این اوصاف و کمالات، شایسته و سزاوار قاری و حامل راستین قرآن کریم است که به خاطر تعظیم و بزرگداشت این کتاب آسمانی، در برابر جُهال و نابخردان، شکیبایی ورزد و در مواجهه با کسانی که به او خشم گیرند، عفو و گذشت را پیشه خویش سازد. با اشاره به این حدیث نبوی، سخن خود را در این بخش از دعا به پایان می‌رسانیم.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس که علم قرآن به او داده شود و وی گمان برد به

کسی بهتر از آنچه به او داده شده عطا گشته است، در واقع، آنچه را خدا کوچک شمرده، بزرگ دانسته و آنچه را خداوند بزرگ دانسته، کوچک و حقیر شمرده است. (همان)

۳. قرائت قرآن، تهجد و شب زنده‌داری

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا حَلَاوَةً فِي تَلَاوَتِهِ وَ نَشَاطًا فِي قِيَامِهِ وَ جَلًّا فِي تَرْتِيلِهِ وَ قُوَّةً فِي اسْتِعْمَالِهِ فِي آثَاءِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ وَ اشْفِنَا مِنَ النَّوْمِ بِالتَّسْوِيرِ وَ اَنْتَقِظْنَا فِي سَاعَةِ اللَّيْلِ مِنْ رُقَادِ الرَّاكِدِينَ وَ نَبِّهْنَا عِنْدَ الْأَخْيَارِ الَّتِي يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ مِنْ سِنَةِ الْوَسَّانِينَ.

خدایا! شیرینی تلاوتش را به ما ارزانی دار؛ در قیام به آن، ما را نشاط بخش؛ به هنگام خواندن آیاتش، دل‌هایمان را ترسان ساز و به ما نیرویی عطا کن که دستورهایش را در تمام اوقات شبانه روز، به کار بندیم. خداوند! به اندکی خواب، خستگی ما را درمان کن و در سحرگاهان ما را بیدار نما و از بستر در خواب ماندگان جدا ساز! و در آن لحظات که دعا در آن اجابت شود، ما را هوشیار نگاه‌دار و چرت چرت زندگان را بر ما مستولی مفرما!

آنچه در این بخش از دعا مورد توجه ویژه امام علیه السلام قرار گرفته است، درک حلاوت و شیرینی و نشاط و شادمانی و خشیت و هراسی است که توأمان، قاری قرآن باید در خود احساس کند. احساسی که وی را نیرومند و توانمند خواهد ساخت تا قرآن را در تک تک ساعات و لحظات زندگی خویش، به کار گیرد؛ شعور پاک و نشاطی که وی را مشتاقانه بر آن خواهد داشت که سحرگاهان از بستر گرم خویش برخیزد و به خوابی اندک، اکتفا کند و در آن ساعاتی که احتمال اجابت دعا صد چندان است، پروردگار خویش را خاشعانه و با قلبی فروتن بخواند.

قرآن کریم در برخی از آیات، به ارتباط تنگاتنگی اشاره دارد که میان قرائت و ترتیل قرآن با قیام به نماز شب وجود دارد و نیز برکات و خیراتی که در این میان بهره

و نصیب قاری قرآن و بیا دارنده نماز شب می شود. گویی امام صادق علیه السلام نیز با نگاه به آن آیات و از منظر آن عبارات نورانی، دعای خویش را بدین شکوه سامان بخشیده است. اوج ارتباط میان خواندن قرآن با اقامه نماز شب را شاید بتوان در سوره مزمل دید که خدای حکیم این گونه رسول خود را مخاطب فرمان مهربانانه خویش قرار می دهد:

يا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلاً * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلاً * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً * إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلاً. (مزمل ۷۳) / ۱ - ۵

ای جامه به خود پیچیده! شب را به نماز برخیز مگر اندکی، نیمی از آن را، یا اندکی از نیمه بگاہ (تا به ثلث رسد) یا بر آن بیفزای (تا به دو ثلث برسد). و قرآن را شمرده و آرام (واضح و با درنگ) بخوان؛ که ما بر تو سخنی سنگین و گرانمایه خواهیم افکند!

در خصوص عبارت نورانی «قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلاً» تفاسیر مختلفی ارائه شده، که خلاصه اقوال چنین است:

- ۱. ای رسول ما! شبی بر تو مگذرد، جز آنکه اندکی در آن، به مناجات پردازی و نماز به پا داری. (۱۰: ج ۵، ص ۳۹۶)
- ۲. ای پیامبر! بخش عمده ای از شب را بیدار باش؛ مگر اندکی را که بیدار نمی مانی و آن را برای خواب و استراحت قرار می دهی. ^۱ (۲۴: ج ۱۳، ص ۲۴۷)
- ۳. حضرت باقر علیه السلام می فرماید: خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که هر شب، نماز شب بخواند؛ مگر آنکه به علتی همچون بیماری و نظایر آن نتواند. (۲۱: ج ۲۰، ص ۷۸)

۱. این نظر، با آیه بیستم از همین سوره تطبیق پیدا می کند. خداوند در این آیه چنین می فرماید: *إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْفَىٰ مِنْ نُثْقَى اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ*: به راستی خداوندگار می داند که تو نزدیک دو ثلث شب و نیم آن و ثلث آن را به نماز برمی خیزی و گروهی از آنان که با تو اند نیز (چنین می کنند).

حاصل و نتیجه چنین شب بیداری و ریاضت و قرائت و تدبر در کلام خداوند، القاء قول ثقیل عنوان شده است: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلاً». یعنی درک معارف و حکمتها و دُرّ و گوهرهای ثمین و با ارزش آسمانی که از عالم بالا به جهان سُفلی نازل و بر قلب منیب انسان از خواب گریزنده القاء می شود و وجودش را نورانی و از معرفت و معنویت پر می سازد.

در توضیح و تفسیر «قول ثقیل» می توان به آیه شانزدهم از سوره مبارکه سجده توجه نمود. خدای متعال در وصف سحرخیزان و شب زنده داران چنین می فرماید:

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ. (سجده ۳۲) / ۱۶

پهلوها پیشان از بسترها [برای نماز شب] دور می شود؛ پروردگار خویش را با بیم و امید می خوانند و از آنچه روزیشان داده ایم، انفاق می کنند.

کمال الدین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق) در توضیح آیه مذکور چنین نوشته است: «گفته اند که این آیت در شأن متهجدان و شب خیزان است که چون شب پرده سیاه خویش را بر خلائق بگسترانند و جهانیان سر به بالین غفلت نهند، ایشان پهلوی از بستر گرم و فراش نرم، تهی داشته، بر قدم نیاز بایستند و در شب دراز با حضرت بی نیاز راز گویند. ایشان به شب هنگام، بر درگاه خالق یکتا، داد نیاز و گدایی سر می دهند و به روز، در راه ما از آنچه که به ایشان از معارف و حکمتها ارزانی داشتیم، داد گدایان دهند و به فریادشان رسند.» (۳۴: ص ۹۲۳) البته تعبیر دیگری نیز برای این بخش از آیه: «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» توسط امامان معصوم علیهم السلام بیان شده که بر اساس آن، علمای شیعه باید با بهره گیری از تعالیم معصومین علیهم السلام و اخذ علم از ایشان به فریاد

۱. تجافی از ریشه «جفو» به معنای دورگشتن و در جای خود باقی نماندن است. صاحب قاموس عبارت «لم یلزم مکانه» را در توضیح این کلمه ارائه داده است. (۲۶: ج ۴، ص ۴۲۵) بنابراین تجافی که در وصف سحر خیزان به آن اشاره شده، یعنی آنکه ایشان از بسترهای خود دوری گزیده و جسم خویش را از آن جدا ساخته و برای اظهار نیاز به درگاه خدای بی نیاز و برای اقامه نماز با فروتنی و ادب ایستاده اند.

«ضعفاء و ایتام آل محمد ﷺ»^۱ رسیده و علم فرا گرفته از آن ذوات مقدسه را در میان ایشان گسترش دهند. (۲۸: ج ۱، ص ۷۶) خداوند متعال در دیگر آیات قرآن، صفات ممتاز و منحصر به فردی به این گروه از بندگان نسبت داده است؛ از جمله دانایی و خردمندی (زمر (۳۹) / ۹) و خشیت^۲ از مقام کبریایی. در سوره مبارکه سجده، آیه هفدهم، سخن از اجر و پاداشی خاص به میان آمده است که ویژه این صنف از بندگان خدای متعال است؛ اجر و پاداشی که نه چشمی آن را دیده و نه گوشی آن را شنیده و نه به قلب احدی خطور کرده است و قرآن کریم با عبارت «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» از آن سخن به میان می آورد.

۱. اصطلاح ضعفای شیعه و ایتام آل محمد ﷺ از جمله اصطلاحاتی است که توسط خود حضرات معصومین علیهم السلام مورد استفاده قرار گرفته است. در این زمینه، احادیثی چند از ائمه هدی علیهم السلام منقول است که در مجموع، دلالت به این مفهوم دارد که منظور از ضعفای شیعه موالیان و دوستاناران ائمه طاهرین اند که برای خلاصی از ظلمت جهل و ورود به صحنه نور، به علمایی نیاز دارند که از ایشان دستگیری نمایند و مقصود از ایتام آل محمد ﷺ نیز شیعیانی اند که دستشان از دستیابی به امام زمان خود کوتاه است که البته این گروه نیز باید مورد حمایت علمای ربانی شیعی قرار گیرد. (۳۱: ص ۱۸۵) حضرت امام حسن عسکری علیهم السلام در این باره چنین فرموده اند: یتیم تر از یتیمی که پدر و مادرش را از دست داده است، یتیمی است که منقطع از امامش گشته و توانایی دستیابی به او را ندارد و در تشخیص حکم امامش - که درباره اوست - ضعیف است. پس آگاه باشید که چنین شخصی به واقع، یتیمی است که باید در دامان شیعیان ما که عالم به علوم ما می باشند، پرورش یابد. پس هر آن کس که وی را هدایت و راهنمایی کند، در بهشت برین و فردوس اعلی با ما خواهد بود. (۲۲: ج ۱، ص ۶)

۲. إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. (فاطر (۳۵) / ۲۸) در توضیح واژه خشیت شاید بی مناسبت نباشد که به این کلام نورانی حضرت امیر علیهم السلام در نهج البلاغه اشاره کنیم که فرمود: «وَإِخْشَاؤُهُ خَشْيَةٌ لَيْسَتْ بِتَعْدِيرٍ» (۲: خطبه ۲۳) برخی از شارحین نهج البلاغه «خشیت تعذیر» را خشیتی دانسته اند که از روی کراهت و بی میلی - و نه از روی محبت و ارادت - نسبت به خداوند ابراز شود. (۲۷: ج ۱، ص ۲۲۶) در حقیقت، منظور امیر مؤمنان از این سخن، آن است که بندگان واقعی پروردگار باید از مقام کبریایی پروردگار آن گونه که شایسته است، پروا داشته باشند و خشیت ایشان توأم با محبت قلبی - که ریشه در شعور و آگاهی آنها دارد - بوده باشد؛ نه خشیت و ترسی که از آن مردمان و بردگانی است که از پادشاهان زورمدار زمانه خود در دل دارند. البته چنین ترسی هرگز قرین با محبت و تلاش مضاعف جهت محقق کردن خواسته های پروردگار نخواهد بود.

در کلام معصومین علیهم السلام بر ارتباط تنگاتنگ میان قرائت و تدبیر در قرآن، با اقامه نماز شب تأکید شده است. در سخنان گوهر بار ایشان، استجابت دعا و برآورده گشتن حاجات به عنوان یکی از ثمرات این ارتباط به حساب آمده است. حضرت صادق علیه السلام فرموده اند: دعا کردن را در چند جا باید غنیمت شمرد که احتمال اجابت آن بسیار است: هنگام قرائت و خواندن قرآن، برپایی نماز شب، به ویژه خواندن نماز وتر، به هنگام شنیدن اذان، وزش باد و نزول باران و آن هنگام که اولین قطره از خون مجاهد فی سبیل الله بر زمین ریزان می شود. این اوقات، زمانهایی است که درهای رحمت آسمانها به سوی بندگان گشوده می شود. (۳۰: ج ۴، ص ۲۴۳)

امامان معصومین علیهم السلام کلام حضرت یعقوب علیهم السلام را که به فرزندانش فرمود: «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» (یوسف / ۹۸) به استغفار و دعا در سحر، تفسیر کرده اند. (۳۰: ج ۴، ص ۲۴۴)

سخن خود را در این بخش از دعا، با اشاره به برخی از ثمرات و برکات قرائت قرآن به پایان می رسانیم. از جمله برکات قرائت قرآن به ویژه در خانه ها آن است که این اماکن محل حضور ملائکه و سبب دوری شیاطین خواهد شد. (۱۴: ص ۱۰۱) خانه هایی که در آن قرآن تلاوت می شود، برای اهل آسمان همچون ستارگانی که بر اهل زمین می درخشند، روشن خواهند بود. (۳۰: ج ۴، ص ۴۲۱) بدین جهت، در احادیث معصومین سخن از شکوه هایی است که در رستاخیز به عرض حضرت رب العزة خواهد رسید. نخست شکایت مسجدی که کسی در آن نماز به پا نمی دارد. دوم شکایت دانشمندی که میان جاهلان گرفتار است و مورد پرسش و پاسخ قرار نمی گیرد. و در نهایت، شکوه قرآنی که در گوشه ای از خانه و بی استفاده قرار گرفته و برخ آن گرد و غبار تنهایی نشسته است. تدبیر در قرآن، قلبهای سخت و زنگار گرفته را نرم می کند و به انسان برای رسیدن به مقام خشوع و فروتنی نسبت به ذات لایزال

۴. قلب و جایگاه آن در فهم قرآن

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِقُلُوبِنَا ذِكَاةً عِنْدَ عَجَائِبِهِ الَّتِي لَا تَنْقُضِي وَلَا تَذَادُ عِنْدَ تَرَدِيدِهِ وَ
عِبْرَةً عِنْدَ تَرْجِيْعِهِ وَ تَمَعًا بَيْنَنَا عِنْدَ اسْتِفْهَامِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَحَلُّفِهِ فِي
قُلُوبِنَا وَ تَوَسُّدِهِ عِنْدَ رُقَادِنَا وَ نَبْذِهِ وَ زَاءِ ظُهُورِنَا وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ قَسَاوَةِ قُلُوبِنَا
لِمَا بِهِ وَ عَظْمَتِنَا، اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِمَا صَرَفْتَ فِيهِ مِنَ الْآيَاتِ وَ ذَكَّرْنَا بِمَا صَرَفْتَ فِيهِ
مِنَ الْمُثَلَّاتِ وَ كَفَّرْنَا بِتَأْوِيلِهِ السَّيِّئَاتِ وَ ضَاعِفْنَا لِنَا بِهِ جَزَاءً فِي الْحَسَنَاتِ وَ
ارْفَعْنَا بِهِ ثَوَابًا فِي الدَّرَجَاتِ وَ لَقِّنْنَا بِهِ الْبُشْرَى بَعْدَ الْمَمَاتِ.

خداوند! به دل‌های ما هوش و ذوقی سرشار عطا فرما، آن هنگام که شگفتیهای
پایان‌ناپذیر آن را می‌شنویم. و ما را لذتی بخش، آن زمان که آیاتش را مکرر
زمزمه می‌کنیم. و عبرتی عطا کن آن هنگام که خواندنش را از سر می‌گیریم. و
سودی آشکار نصیبمان فرما، آن وقت که در مقام پرسش از آن سؤال می‌کنیم. بار
خدا! به تو پناه می‌بریم از آنکه این کتاب از دل‌های ما دوری‌گزیند و آنکه آن را
بالس بستر خویش سازیم و پشت سر افکنیم. به تو پناه می‌بریم از قساوت و
سختی دل‌هایمان به آنچه ما را بدان پند و اندرز داده‌ای. خداوند! ما را به واسطه
تصریف و تفصیل آیاتش سود بخش و ما را یادآور ساز به مثل‌هایی که در آن
آورده‌ای. با تأویل آن سیئات و بدی‌های ما را بیوشان. و به وسیله آن جزا و
پاداش کردار نیک ما را دو چندان ساز و مقام و منزلت ما را نزد خود بالا بر و
بشارت و شادی پس از مرگ را به واسطه قرآن به ما ارزانی دار.

در این بخش از دعای امام صادق علیه السلام جایگاه و نقش ویژه «قلب»^۱ را در فهم و یا
عدم فهم صحیح آیات قرآن می‌بینیم. اگر «قلب» متصف به صفاتی چون «سلامت»،

۱. یادآوری می‌شود که قرآن کریم، در مواردی که انسان را به تدبّر در آیات فرا می‌خواند، از واژه «قلب»
بهره می‌گیرد. این کلمه در تعالیم معصومین علیهم السلام به «عقل» تفسیر شده است. برای نمونه بنگرید به:
اصول کافی، ج ۱ ص ۲۴.

«انابت»^۱ و «بصیرت» باشد، یعنی قلب «سلیم» و «منیب» باشد، خواهد توانست از
شگفتیهای موجود در این کتاب، حظّ و بهره فراوان ببرد. اما اگر قلب در گذر زمان،
«متکبّر» و «جبار» شده (غافر (۴۰) / ۳۵) و قساوت بر آن سایه افکنده باشد (زمر (۳۹) /
۲۲)، نه تنها بهره‌ای از معارف و حکمت‌های کلام الله نمی‌برد، بلکه ستیزه‌گری و
مجادله و مراء (غافر (۴۰) / ۳۵) را در راستای محو و نابودی ارزش‌های این کتاب در
پیش خواهد گرفت. این همان چیزی است که مورد توجه امام صادق علیه السلام قرار
می‌گیرد و ایشان را - از اینکه صاحب قلبی زنگار گرفته و سخت باشد - به ذات
مقدس پروردگار پناهنده می‌سازد.

این کتاب مقدّس باید جدا از دیگر کتب آسمانی و کتب دیگر، مورد توجه و اعتنا
قرار گیرد. کتابی که گذر زمان و گذشت اوقات، گردد و غبار کهنگی و پزیردگی را بر آن
نمی‌نشانند؛ بلکه هر چه بیشتر در معرض مطالعه و تدبّر و دقت محققانه قرار گیرد،
زیبایی‌های آن لحظه به لحظه، آشکارتر می‌شود و ارزش‌هایش به دیگران رخ می‌نماید.
رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند:

هر که قرآن را راهبر خویش سازد، قرآن او را به بهشت رهنمون گردد و هر که آن
را پشت سر افکند، او را به سوی دوزخ براند. این کتاب جداکننده حق از باطل و
دفع هر گونه اختلاف است. ستارگان و اخترانی (از علم و حکمت) دارد و
اخترانش نیز اخترانی دارند. شگفتی‌هایش شمارش نشود و تازه‌هایش کهنه نگردد.
چراغها و مصابیح هدایت و حکمت در آن است و به سوی معرفت و شناخت ره
می‌نماید. پس شایسته حامل واقعی قرآن است که نگاه خویش را به سوی درک
معانی و معارف آن بگرداند و دیدگان خویش را با تأمل در آن، جلا بخشد و نظر
خود را تا درک ژرفای معارف آن امتداد دهد. (۳۰: ج ۴، ص ۴۰۷ و ۴۰۸)

۱. انابت، مصدر باب افعال از ریشه «نوب» است، به معنای بازگشت و رجوع همیشگی به سوی خداوند،
همراه با إخلاص در عمل. زینور عسل را از آن روی «نوب» می‌نامند که پی در پی به کندویش باز
می‌گردد. (۱۶: ص ۵۰۸)

در آن صورت است که قلب وی جایگاهی مطمئن برای استقرار و لبریز گشتن از معارف و اسرار و علوم الهی خواهد شد و چنین قلبی به فرمایش معصوم علیه السلام از عذاب خداوند، مصون و محفوظ خواهد ماند. (۲۳: ج ۱، ص ۶) از این روست که در تفاسیر و در شرح و بیان آیه شریفه ﴿الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا﴾ (اعراف (۷) / ۵۸) واژه بلد را به قلب آدمی تفسیر کرده اند که به واقع، این سرزمین دل آدمی است که در صورت احراز صلاحیت لازم، همچون زمین هموار و بارور، از آن محصولی پاک بیرون خواهد آمد و در صورت عدم شایستگی، همچون زمینهای شوره زار و نابارور جز علف هرز و اعمال ناشایست و پلید، چیزی از آن بیرون نخواهد جهید. (۹: ج ۳، ۱۸۶) به واقع، بهار و شکوفایی قلبها و حیات و سرزندگی آن وابسته به این کتاب (۱۴: ص ۱۰۷) و تفکر و تدبیر صحیح در آیات شایسته آن است. قرآن کریم همان عهد و پیمانی است که میان خداوند و اهل ایمان استقرار یافته و بر انسان مسلمان، فرض و واجب است که به پیمان خویش نیکو بنگرد و آن پیمان را نشکنند. (۳۰: ج ۴، ص ۴۲۰)

چنین فرد پیمان شکنی، مخاطب خطابه‌های متعدد قرآنی قرار می‌گیرد که هر یک به نوبه خود به گونه‌ای ما را با لایه‌های پنهان و آشکار اندیشه‌های نادرست او آشنا می‌سازد.

این گروه از مردمان به دلیل رفتار ناپسند خود، مورد لعن و نفرین الهی قرار گرفته و بالطبع گوشه‌ایشان برای شنیدن آوای دلنشین حق، ناشنوا و چشمانشان برای دیدن عظمت آن نابینا گشته است. بر قلبهایشان قفلها زده شده و از درک برکات و خیرات این کتاب آسمانی باز مانده اند. ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ﴾ ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟﴾ (محمد صلی الله علیه و آله / ۲۳-۲۴)

اگر به دنبال مصداقی کامل برای این خطابات قهرآمیز باشیم، شاید بتوان به حدیث حضرت صادق علیه السلام اشاره کنیم که بر اساس آن، گروهی از دشمنان خاندان

پیامبر در شمار کسانی معرفی شده اند که قرآن را پشت سر نهاده و سنتهای الهی را باطل و احکام آن را معطل گذارده اند. برای این عده، نه تنها قرآن نور و وسیله هدایت و شفابخش دردهایشان نیست، بلکه برگمراهی و ضلالتشان می‌افزاید و کوردلی ایشان را دو چندان می‌سازد. اینان در زمره کسانی داخل شده اند که به علت انحراف از قرآن، جز به سوی آتش، راه دیگری را در پیش روی خویش مشاهده نمی‌کنند. (۳۰: ج ۴، ص ۴۰۹)

در ادامه جمله یاد شده دعای امام صادق علیه السلام، به تصریف و تفصیل آیات، تکرارها و تنوع و عبارت پردازیهای خاص قرآنی و نیز سود جستن این کتاب از ذکر انواع مختلف امثال، حکایات و تمثیلات گوناگون می‌رسیم. هر یک از آنها می‌کوشد تا غفلت را از ذهنها بزدايد و ظرف دل آدمی را شایسته درک کمالات و ارزشهای انسانی نماید. خداوند متعال بیان می‌دارد که در این کتاب، از هر مثل و هر کلامی که بتواند راهگشای هدایت آدمی باشد، سخن به میان آمده است. ﴿وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (زمر (۳۹) / ۲۷)

از جمله فواید ذکر امثال در قرآن، هشدار، وعظ، انگیزش، شوق آفرینی، بازدارندگی، عبرت پذیری، شرح و تبیین حقایق، نزدیک ساختن مقصود به اذهان، به تصویر کشاندن امور پیچیده عقلی و تشبیه امور پنهان به موضوعات ملموس و آشکار است. (۱۷: ص ۲۹) بدین سان، این حقایق بدون هیچ گونه دشواری در اختیار خوانندگان و قاریان قرآن قرار می‌گیرد. به همین خاطر، عده‌ای بر این باورند که خداوند متعال از رهگذر ذکر امثال در قرآن، بر بندگان خود منت نهاده و آن را به عنوان یکی از عنایات خاصه خود نسبت به ایشان بر شمرده است. (۱۸: ص ۷۶)

به فرموده قرآن، جز عالمان احدی را شایسته نباشد که در امثال قرآنی به تعقل و تفکر بپردازد. ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ (عنکبوت (۲۹) / ۴۳)

کسانی که به امثال قرآنی توجه ندارند، از این دو ویژگی (علم و عقل) بی بهره اند. به عبارتی دیگر، نه می توان آنها را در گروه عالمان و دانشمندان داخل نمود و نه در زمره اندیشمندان و متفکران!!

در این بخش از دعا، همچنین بخشش گناهان، دستیابی به پاداش اخروی و ارتقای منزلت و مقام در پیشگاه حضرت احدیت، با تمسک به ثقل اکبر الاهی، مورد توجه قرار گرفته است. نیز از شادمانی که از طریق فرمانبرداری از دستورات الاهی پس از مرگ نصیب مؤمنان می شود، سخن به میان آمده است. در این باره، در بخش بعدی دعای امام، سخن به میان خواهد آمد.

۵. قرآن شفیع روز جزا

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا زَادًا تَقْوِينَا بِهِ فِي الْمَوْقِفِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ طَرِيقًا وَاضِحًا نَسْلُكُ بِهِ إِلَيْكَ وَ عِلْمًا نَافِعًا نَشْكُرُ بِهِ نِعْمَاءَكَ وَ تَخَشُّعًا صَادِقًا نُسَبِّحُ بِهِ أَسْمَاءَكَ، فَإِنَّكَ اتَّخَذْتَ بِهِ عَلَيْنَا حِجَّةً قَطَعْتَ بِهِ عُذْرَنَا وَ اضْطَنْعْتَ بِهِ عِنْدَنَا نِعْمَةً قَصَرَ عَنْهَا شُكْرُنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا وَلِيًّا يُبَيِّنُ مِنَ الرَّذْلِ وَ دَلِيلًا يَهْدِينَا لِصَالِحِ الْعَمَلِ وَ عَوْنًا هَادِيًا يَقْوِمُنَا مِنَ الْمِثْلِ وَ عَوْنًا يَقْوِينَا مِنَ الْمَلَلِ. حَتَّى يَبْلُغَ بِنَا أَفْضَلَ الْأَمَلِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا يَوْمَ اللَّقَاءِ وَ سَلَاحًا يَوْمَ الْإِرْتِقَاءِ وَ حَجِيبًا يَوْمَ الْقَضَاءِ وَ نُورًا يَوْمَ الظُّلْمَاءِ يَوْمَ لَا أَرْضَ وَ لَا سَمَاءَ، يَوْمَ يُجْزَى كُلُّ نَاعٍ بِمَا سَعَى.

خداوند! آن را برای ما توشه ای ساز تا در پیشگاه تو و در صحنه رستاخیز، به آن قوت گیریم. و آن را راهی روشن و آشکار قرار ده تا بدان سوی تو آییم. و دانشی سودمند ساز تا بدان شکر نعمتهایت را به جا آوریم و خشوعی صادقانه عطا فرما تا تسبیح گوی اسمای حسنی تو باشیم؛ زیرا تو به واسطه آن حجت را بر ما تمام کردی و راه عذر و بهانه را بر ما بستی و نعمتی را برای ما برگزیدی که زبان شکر ما از آن کوتاه است.

بار خدایا! آن را بر ما سرپرستی ساز که به وقت لغزیدن، استوارمان دارد و راهنمایی که ما را به کارهای شایسته وا دارد و کمکی زهنما که از انحراف و کژی، به راستی مان کشاند و یآوری که ما را از خستگیها برهاند؛ تا این چنین ما را به برترین آرزوها رساند. خدایا! آن را شفیع ما قرار ده در آن روز که تو را دیدار می کنیم و ساز و برگ و سلاحی ساز تا بدان اوج گیریم. خداوند! به روز قضا (قیامت) آن را حامی و پشتیبان ما قرار ده و نوری ساز در ظلمت تاریکیها؛ روزی که در آن، نه زمینی است و نه آسمانی، روزی که هر کس به قدر تلاشش جزا داده خواهد شد.

در این عبارات نورانی نیز به برخی دیگر از صفات و ویژگیهای ممتاز قرآن کریم از زبان مبین قرآن اشاره شده است؛ به ویژه مقام شفاعت. قرآن کریم به راستی شفیع کسانی است که ولایتش را آگاهانه پذیرفته، از طریق هدایتش به اعمال شایسته راه یافته، از خستگیها و کسالتها خود را رهانیده و به آغوش کار نیک پناه جسته اند. اینان قرآن را ره توشه خود ساخته و از طریق آن به گنجینه های علم و معرفت دست یازیده و خشوع و احساسی فروتنانه نسبت به آن در خود یافته اند تسبیح گوی اسمای پروردگار شده و به بهترین جایگاهها در بهشت و فردوس اعلی رسیده اند. قرآن بزرگ در صحنه رستاخیز - که تمام امتها از آدم تا خاتم صف در صف ایستاده اند - اینان را از میان خلایق بر می گزیند و به والاترین مقامهای مادی و معنوی می رساند.

حضرت صادق و پدر بزرگوارشان امام باقر علیهما السلام در خصوص این شفاعت با شکوه و این عزت و سربلندی - که نصیب حاملان واقعی قرآن خواهد شد - در حدیثی نسبتاً طولانی چنین می فرمایند:

قرآن کریم در روز قیامت، در قالب جوانی زیبارو ظاهر می شود؛ در حالی که تمام امتها، از نژادها، زبانها، ملتتها و مذاهب مختلف، صف در صف و به دنبال هم ایستاده اند. این جوان بر شهداء، پیامبران و ملائکه الاهی گذر می کند. در ابتدا هر یک از آنها، وی را از خود می پندارند. برای پرسش به نزد رسول گرامی اسلام

شرفیاب می‌شوند و از ایشان در باره آن جوان خوش سیما می‌پرسند. آن حضرت پاسخ می‌دهد که وی کلام خداوند و حجت او بر بندگانش می‌باشد که این‌گونه تجسم و ظهور پیدا کرده است.

سپس آن جوان خود را به عرش الاهی نزدیک می‌سازد و به نزد حضرت ربّ العزّه شرفیاب می‌شود. خداوند متعال او را ندا می‌دهد: ای حجت من بر زمین! و ای سخن راست و گویایم! سرّ خویش بلند دار و بخواه تا به توداده شود و شفاعت کن تا پذیرفته گردد. ای حجت من! چگونه یافتی بندگانم را؟ جوان می‌گوید: برخی مرا نگاه داشتند و عده‌ای هم مرا خوار شمردند و به کناری زدند و دروغم پنداشتند! سپس خداوند متعال می‌فرماید: به عزّت و جلالم سوگند که امروز بهترین ثوابها را به پاس تو، بر بندگانم ارزانی خواهم داشت و دردناک‌ترین کیفر خود را به کسانی خواهم چساند که قدر و منزلت تو را ندانستند، جایگاهت را ارج ننهاده‌اند و تو را خوار شمردند. (ج: ۴، ص ۴۱۳)

در این روایت، از تکلم میان خداوند و قرآن کریم سخن به میان آمده است؛ اما در روایات دیگر، صحبت میان قرآن کریم و حاملان آیات وحی مطرح شده است. از حضرت باقر علیه السلام منقول است:

قرآن کریم در قالب جوانی خوش سیما و زیباچهره در محکمه پروردگار و با حضور همه خلائق آشکار می‌شود. از گروهها و قشرهای مختلف مردم گذر می‌کند و خود را به شخصی می‌رساند که وی را پاس داشته و حقوقش را ادا نموده و در راه تبلیغ آن جان فشانیها کرده و از خودگذشتگیها نشان داده است. قرآن کریم به آن فرد چنین می‌گوید: من همانم که شبها تو را به بیداری کشاندم و از بستر نرم استراحت، جدایت ساختم و به عبادت حضرت ربّ العزّه مشتاقتم نمودم. آری من همانم که تو را در رنج افکندم؛ به خاطر من آزارها دیدی و ادبیتها را تحمّل کردی. ^۱ مگر نه آن است که هر تاجری باید سود خود را دریافت کند؟

۱. در حدیث دیگر چنین آمده است: من همانم که خواب را از چشمانت ربودم و تشنگی را در گرمای تابستان نصیبت ساختم؛ آب دهانت را خشک کردم و اشک دیدگانت را روان ساختم. (ج: ۴، ص ۴۱۳)

هم اینک تو نیز باید مزد تجارت خویش را بازستانی! آن جوان خوش سیما به حضرت حقّ عرضه می‌دارد: پروردگارا! این بنده توست و تو نسبت به حال وی از من آگاه‌تری. آنچه را شایسته اوست با وی به انجام رسان. خداوند متعال به ملائکه خویش فرمان می‌دهد که او را جامه‌های بهشتی بپوشانند و در بهشت عدن برایش جایگاهی نیکو برایش مهیا سازند. جوان خوش سیما می‌گوید: پروردگار من! آنچه را تو به او ارزانی داشتی کم پندارم! بر پاداش وی بیفز! خداوند می‌گوید: به رفعت مقامم سوگند که امروز به وی و به هر کس که همپایه اوست، پنج چیز عطا نمایم که هرگز زوال نپذیرد. آنان جوانانی باشند که پیر نگردند، تندرستانی باشند که بیمار نشوند، توانگرانی باشند که فقیر نگردند، شادکامانی باشند که اندوهگین نشوند و زندگانی باشند که هرگز نمیرند و فنا نپذیرند. (ج: ۴، ص ۶۳۳)

در روایتی دیگر، ضمن اشاره به همین مضامین، بدین نکته نیز پرداخته شده است که خداوند به آن جوان خوش سیما فرمان می‌دهد که پیشاپیش حاملان واقعی قرآن حرکت کند و آنها را به بهشت و منازل ایشان رهنمون سازد. در اینجا است که به مؤمن خطاب می‌شود: «اقْرَأْ وَاذْقْ» یعنی بخوان و بالا برو! و هر یک از مؤمنان به قدر ارادتی که نسبت به این کتاب آسمانی داشته‌اند و برابر آن مقداری که پاسدار شأن و مقامش بوده‌اند، به جایگاه اصلی خود نائل خواهند شد. (ج: ۴، ص ۴۱۱)

۶. حمایت قرآن از حاملان خود در روز قیامت

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا رِزْقًا يَوْمَ الظَّهْرِ وَفَوْزًا يَوْمَ الجزاءِ مِنْ نارِ حَامِيَةٍ، قَلِيلَةَ البُقْيَاءِ عَلَى مَنْ بِهَا اضْطَلَى وَبَحْرَهَا تَلَطَّى. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا بُرْهَانًا عَلَى رُؤُوسِ المَلَأِ يَوْمَ يُجْمَعُ فِيهِ اهلُ الارضِ وَ اهلُ السماءِ. اللَّهُمَّ ارزُقْنَا مَنَازِلَ الشَّهَداءِ وَ عِيشَ السَّعْداءِ وَ مُرَافَقَةَ الانبياءِ اِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعاءِ.

خداوندا! در روز تشنگی، قرآن را وسیله سیراب گشتنمان قرار ده و پیروزی بر آتش سوزان را در روز جزاء نصیبمان فرما؛ آتشی که بی‌ترحم است بر جان هر

کس که بدن افروخته گردد و با حرارتش گداخته شود. بار خدایا! قرآن را برهان ما ساز در میان همه خلایق؛ در آن روز که اهل زمین و آسمان گرد هم جمع آیند. خداوند! جایگاه و منازل شهداء و زندگی سعادت‌مندان و همنشینی و رفاقت با انبیاء را روزی ما کن؛ که تو شنوای دعای ما هستی.

بخش پایانی این دعا از زبان حضرت صادق علیه السلام و با عنایت به حمایت قرآن کریم از قاریان و حاملان راستین این کتاب آسمانی در روز جزا خاتمه می‌یابد؛ روزی که تشنه کامان، تأویل سیراب گشتن در معارف و حکمتهای کلام الله را آشکارا می‌بینند؛ روزی که پیروزی و رستگاری از آن ایشان خواهد بود. در مقابل، خذلان نصیب آنانی خواهد شد که در برابر دستورات آن، شانه خالی کرده و آن را به گوشه‌ای افکنده‌اند.

این بخش از دعا ما حاصل و عصاره‌ای است از بخشهای پیشین و با این درخواست و تقاضا پایان می‌پذیرد که خداوند، جایگاه شهداء و نیکان و مصاحب انبیاء را بهره حاملان قرآن نماید.

در همین جا کلام خویش را به پایان می‌بریم و از حضرت رب العزة تقاضا می‌کنیم که ما را در شمار حاملان راستین و حقیقی کتاب خویش قرار دهد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه انتشاراتی موعود اسلام، چاپ هفتم، ۱۳۸۴.
۳. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین. امالی. تهران: المکتبه الاسلامیه.
۴. _____ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. تهران: صدوق، چاپ دوم.
۵. _____ عیون اخبار الرضا علیه السلام. تهران: منشورات جهان.
۶. امین، سیده نصرت. مخزن العرفان. ج ۷. تهران: نهضت زنان مسلمان، چاپ اول، ۱۳۶۱.
۷. بروجردی، سید ابراهیم. تفسیر جامع. ج ۴. تهران: انتشارات صدر، چاپ سوم، ۱۳۴۱.

۸. توحیدی، امیر. ترجمه قرآن کریم. تهران: حافظ نوین، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۹. حسینی بحرانی، سید هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۰. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن. جلاء الازهان و جلاء الاحزان. ج ۳. تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۷ش.
۱۱. حلّی، احمد بن فهد. عدّة الداعی و نجاح الساعی. قم: انتشارات وجدانی.
۱۲. حویزی، عبدالعلی بن جمعه. تفسیر نور الثقلین. ج ۴. قم: مطبعة العلمیه، چاپ دوم.
۱۳. خوانساری، جمال الدین محمد. شرح غررالحکم. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. دیلمی، حسن بن ابی الحسن. اعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۵ق.
۱۵. رازی، ابوالفتح حسین بن علی. روض الجنان و روح الجنان. ج ۱. تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۳۵ش.
۱۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۷. رضوی، سید محمد. فرهنگ امثال القرآن و معادلهای آن در زبان فارسی. تهران: چاپ و نشر بین الملل، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
۱۸. زمخشری، جارالله محمود بن عمر. المستقصى فی امثال العرب. لبنان: مؤسسه مطبوعاتی علمی، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
۱۹. شریف لاهیجی، بهاء الدین محمد علی. تفسیر شریف لاهیجی. ج ۲. مؤسسه مطبوعاتی علمی، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
۲۰. شعیری، محمد بن محمد (بی تا). جامع الاخبار. چاپ سنگی.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۱۷ و ۲۰. لبنان: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۲. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب. احتجاج ج ۱. ترجمه: بهراد جعفری. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ اول، ۱۳۸۱ش.

۲۳. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. امالی. ج ۱، مکتبه الاهلیه.
۲۴. طیب، سیدعبدالحسین. اطیب البیان فی تفسیر القرآن. ج ۱۳. انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۳۶۶ش.
۲۵. عبّاشی، محمدبن مسعود. تفسیر عیاشی. تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ اول.
۲۶. فیروز آبادی، محمدبن یعقوب. القاموس المحيط. ج ۴. لبنان: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۷. کاشانی، ملافتح الله. ترجمه و شرح فارسی نهج البلاغه. ج ۱. تهران: انتشارات میقات، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
۲۸. ————. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. ج ۱. تهران: کتابفروشی اسلامیّه، چاپ دوم، ۱۳۴۴ش.
۲۹. کراچکی، ابوالفتح محمدبن علی. کنزالفوائد. قم: دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳۰. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. اصول کافی. ج ۱ و ۴. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: انتشارات اسلامیّه، چاپ نهم، ۱۳۷۹ش.
۳۱. گویا، عبدالعلی. علی علیه السلام و فوج فائزین. تهران: حافظ نوین چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۳۲. متقی هندی، علاء الدین. کنز العمال فی سنن الاقوال و الانعال. ج ۱. بیروت: مکتبه التراث الاسلامی. چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۳۳. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار الجامعة الدرر اخبار الائمة الاطهار. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ش.
۳۴. واعظ کاشفی، کمال‌الدین حسین. تفسیر مواهب علیه. تهران: کتابفروشی اقبال، چاپ اول، ۱۳۱۷ش.